



دوبینگ فوری شب امتحان

❄ خلاصه فشرده برای مرور سریع

عربی دوازدهم مشترک

درس ۱ دوازدهم



رفقا

- مطلب مهم توی درس یک اینه که به ترجمه دقیق حروف مشبهة بالفعل و لای نفي جنس حسابی دقت کنین و صحیح بنویسین!
- خیلی وقتا بین «لَيْتَ: کاش» و «لَعَلَّ: شاید، امید است» اشتباه می‌شه!
- توی «لا» نفي جنس هم حواستون به ترجمه «هیچ ... نیست» باشه! هر ترجمه‌ای غیر این ولو اینکه همین مفهوم رو برسونه، قابل پذیرش نیست!
- حالا خود تو، نکاتی که از نمودار بالا فهمیدی رو بنویس تا برات مرور بشه.

المُعْجَم درس ۱

الْقَرَابِين: قربانی‌ها «مفرد: الْقَرْبَان» الْكَيْف: الْكَيْف: شانه «جمع: الْأَكْتاف» كَسَرَ: شکست النَّقُوش: کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها «مفرد: النَّقْش»	حَرَقَ: سوزاند الْحَنِيف: یکتاپرست السَّدَى: بیهوده و پوچ السَّيْرَة: روش و کردار، سرگذشت السَّعَائِر: مراسم الصَّرَاع: کشمکش = النَّزَاع ≠ السَّلَم عَلَّقَ: آویخت الْفَأْس: تبر «جمع: الْفُؤُوس»	أَخْضَرَ: آورد، حاضر کرد الأَصْنَام: بت‌ها «مفرد: الصَّئِم» أَقَمَ وَجْهَكَ: روی بیاور (ماضی: أَقَامَ / مضارع: يُقِيمُ) بَدَّوْا يَتَهَامَسُونَ: شروع به بیچ‌بیچ کردند (ماضی: تَهَامَسَ / مضارع: يَتَهَامَسُ) التَّجَنَّب: دوری کردن (ماضی: تَجَنَّبَ / مضارع: يَتَجَنَّبُ)
--	--	---

درس ۲ دوازدهم



در مورد حال، دو مدل سؤال داریم:

حالت اول: می‌که «حال» رو مشخص کن؛ این‌جا ممکنه توی جملاتی که بهمون داده، حال از نوع اسم یا جمله داشته باشیم و باید مشخص کنین!

حالت دوم: اینکه توی جملاتی که برای ترجمه کردن بهتون دادن، حال اومده!

اینجا باید به کم حواستون جمع‌تر باشه و خودتون ترجمه صحیح حال رو در ترجمه لحاظ کنین!

توی حالت دوم کسی به شما گرا نمیده که «حال» داریم؛ خودتون باید تشخیص بدین و ترجمه‌ش کنین!

المُعْجَم درس ۲

زَارَ ُ : دیدار کرد (مضارع: يَزُورُ) «زُرْتُ: دیدار کردم» السَّعَى: دویدن، تلاش الْقَمَّة: قله «جمع: الْقِمَم» لَجَأَ إِلَى َ : به ... پناه بُرد مَرَّ ُ : گذر کرد (مضارع: يَمُرُّ) الْمَشْهَد: صحنه	تَعَبَّدَ: عبادت کرد التَّلْفَاز: تلویزیون تَمَتَّى: آرزو داشت (مضارع: يَتَمَنَّى) الْخِيَام: چادرها «مفرد: الْخَيْمَة» الرَّجُل: پا «جمع: الْأَرْجُل» رَمَى الْجَمْرَات: پرتاب ریگ‌ها (در مراسم حج)	آلَمَ: به درد آورد (مضارع: يُؤْلِمُ) «رَجُلِي تُؤْلِمُنِي: پایم درد می‌کند» إِشْتَقَّ: مشتاق شد (مضارع: يَشْتَاقُ) أُمَاة: ای مادرم بُنَى: پسرکم بُنَيْتِي: دخترکم
---	--	--